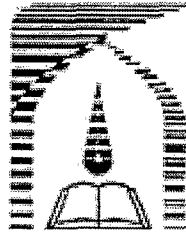


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه غرب

دیالکتیک عقل در افلاطون و دیالکتیک ایمان در کی‌یر کگارد

اردشیر محمودی

استاد راهنما

دکتر سید حمید طالبزاده

استاد مشاور

دکتر محسن کدیور

آبان ۱۳۸۶

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۲۵

کتابخانه تخصصی فلسفه و کلام اسلامی
تربیت مدرس

۱۹۰۶۳۲

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۵

دستورالعمل حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاستهای پژوهشی دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد ذیل را رعایت نمایند:

ماده ۱- حقوق مادی و معنوی پایان نامه ها/ رساله های مصوب دانشگاه متعلق به دانشگاه است و هرگونه بهره برداری از آن باید با ذکر نام دانشگاه و رعایت آیین نامه ها و دستورالعملهای مصوب دانشگاه باشد.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی می باید به نام دانشگاه بوده و استاد راهنما نویسنده مسئول مقاله باشند. تبصره: در مقالاتی که پس از دانش آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان نامه/ رساله نیز منتشر می شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب حاصل از نتایج پایان نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با مجوز کتبی صادره از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه و براساس آیین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه در جشنواره های ملی، منطقه ای و بین المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق حوزه پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این دستورالعمل در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ در شورای پژوهشی دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب لازم الاجرا است و هرگونه تخلف از مفاد این دستورالعمل از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری خواهد بود. ۱۳۸۴/۶/۱

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته فقه است که در سال ۱۳۸۶ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر سید محمد علی حسینی، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر محسن کدوسی، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر از آن

دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده رابه عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب دکتر سید محمد علی حسینی دانشجوی رشته فقه، کلام و اصول فقه مقطع ارشد

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی:
تاریخ و امضا:

۸۶/۱۲/۱۴

تقدیم به؛

تمامی تجلیات هستی در زندگی‌ام که با پیام‌های خود مرا به طلب حکمت و فلسفه دعوت نمودند.

و به پدر و مادرم؛ واسطه‌های فیض و وجود که رنج و محنت این دعوت ناگهانی و اضطراب و غم این سرگردانی، وجود نازنین‌شان را آزرده.

سیاس و قدردانی

دورد بی پایان پروردگاری را سزاست، که با قلم مهر خویش نقش آدم را از خزینة علم و غیب خود بر صفحه آفاق پدیدار ساخته، و با دمیدن رایحه عشق خود ندای بازگشت را بر لوح نفس او دمیده، و با سیر او در ابتلائات زندگی زمینی، عیار وجودش را سنجیده، و با ارسال انبیاء، اولیاء، حکیمان و اهل علم نعمت را بر او اتمام بخشیده، و مزد این منت خویش را با لطف متابعت از ایشان مستتر ساخته، و در پایان با ظهور ولی کامل، آسمان را به زمین متصل و با آشکار کردن تمامی الطاف مکنون خویش، بندگان را غرق سرور و شادی ساخته و این بهجت را مایة عروج آنان خواهد گردانید.

بر خود لازم می دانم که سپاس بی شائبه خود را به همه معلمان و اساتید دوران تحصیلم اعلام دارم، بویژه استاد محترم جناب آقای دکتر طالب زاده که با راهنمایی های کریمانه و دادن فرصت تفکر آزاد در حین تحقیق، در به انجام رسیدن یک پژوهش فلسفی آن چنانکه شایسته یک تأمل فلسفی است، لطف خویش را بر این اینجانب تمام نمودند، و جناب آقای دکتر کدیور که مشاورت این تحقیق را صمیمانه تقبل نمودند، و دیگر اساتید محترم جناب آقایان: جهانگیری، مجتهدی، حقیقت، غفاری، قوام صفری، خاتمی، بهشتی، ریخته گران، اکبریان، شایگان، سعیدی مهر و عالمی.

تواضع و فروتنی خالصانه خود را به پدر و مادرم نثار می کنم، کسانی که خداوند سرچشمه های بی دریغ و بی اختیار مهربانی را در وجودشان جاری ساخته، و به واسطه این محبت سرشار و سخاوت آن بر دیگران بوده که پروردگار سهم مرا از رحمتش فزونی بخشیده، و به خواهران و برادران عزیزم که همواره با دعا های پاک خویش مرا مرهون و مدیون مهر و صفای خود کرده اند. همیشه و در همه حال از پروردگار بزرگ خاضعانه خواسته ام که او خود فرصت و اسباب ادای دین به این عزیزان را برایم فراهم نماید، چرا که مرا یارای انجام این وظیفه آسمانی نبوده و نیست.

احترام و ادب خود را تقدیم تمامی دوستان و همکارانی می کنم که هر یک به نحوی در طول این مدت مرا با مهربانی های خود شرمنده ساخته اند، به ویژه جناب آقایان: رضایی، سیدآبادی، میرجهانی، اسکویی، میرشکاران، قربی، فیض اله، بهزادپور، احمدی فر، جهانی، پرهیزکار، ضارب کهن و هاشمی.

چکیده:

نسبت وجوه عقلی و ایمانی بشر همواره در طول تاریخ و به انحاء مختلف مورد بحث بوده است، نشانه‌های ظهور این بحث به قبل از ادیان ابراهیمی باز می‌گردد. در آنجا که انسان درگیر تبیین‌های مبهم خود در خصوص یافته‌های اسطوره‌ای، عقلی و طبیعی خود بود. با ظهور فلسفه یونان و بویژه تفکر افلاطون بود که این مباحث مبهم و درهم شکل‌منظم فلسفی به خود گرفت که این امر خود ریشه در رخنه‌قوة عقل عالمی داشت که ویژگی آن تبیین ادبی، اسطوره‌ای و شعری بود. افلاطون با مطرح کردن "بود و نمود" آدمی را از مقام وحدت شعری-اسطوره‌ای وارد مقام امکان فلسفی نمود. در مرتبه امکان، که تعلیق بین هستی و نیستی است، عقل فراغت یافت که به مرتب کردن مراتب عالم با سیر دیالکتیکی در سه مرحله پردازد. در سیر اول فیلسوف در ضمن گفتگو با افراد با کشف امر کلی و با اعتراف به جهل خود نسبت به شناخت حقیقی، همزمان به غایت تربیتی و نظری نائل آمده و با این تمهید در این قصد بود که به سوی واقعیت و حقیقت تعاریف کلی و صفات اخلاقی مرحله اول سیر کند و بدین طریق مسافر عالم مثل شده و این سیر را تا کلی‌ترین و حقیقی‌ترین امر یعنی مثال خیر انجام می‌داد. پس از شهود حضوری مثال خیر، فیلسوف دوباره به میان اجتماع بازگشته و به طرح‌ریزی نظام‌های مختلف اجتماعی-سیاسی بر اساس تجربیات سیرهای قبلی خود می‌پرداخت. اما با ظهور تفکر جدید در غرب نظام سلسله مراتبی و متافیزیکی عالم به هم ریخته و به تبع آن نیز نسبت فرد با امر قدسی و مطلق دچار تغییری اساسی شد. این نسبت زمانی به سوی وجوه پدیداری (آفاقی) و تاریخی و گاهی به سوی وجوه ناپدیداری (انفسی) عالم و آدم در نوسان بوده و هست. در این میان کی‌یرکگارد به عنوان پدر مکتب اگزیستانسیالیسم در انتقاد به آفاقی شدن بیش از حد امور انسانی به واسطه تفکر انتزاعی علمی و فلسفی، رأی به امکانات وجه ناپدیداری نفس آدمی داد. در این تحقیق پس از بررسی و مقایسه وجوهی از تفکر افلاطون و کی‌یرکگارد، به این نتیجه رسیدیم که رشد عقلی و ایمانی و هماهنگی میان آن دو نیازمند توجه به اختلافات موجود در خلقت و امکانات نهفته در آن است و از این طریق به نقص‌های دو متفکر که خود ریشه در نقص بشری دارند، اشاره شده است. نتیجه بسیار مهمی که از تأمل در طی این تحقیق عاید نگارنده شد، لزوم اتخاذ دینداری و عقلانیتی تفسیری و هرمنوتیکی در زمانه حال است.

واژه‌گان کلیدی: دیالکتیک، عقل، ایمان، افلاطون و کی‌یرکگارد.

فهرست مطالب

ج	فهرست مطالب
فصل اول: کلیات تحقیق	
۲	۱-۱- مقدمه:
۳	۲-۱- تعریف مسأله و بیان سؤالات تحقیق:
۵	۳-۱- پیشینه تحقیق:
۵	۴-۱- ضرورت تحقیق:
۶	۵-۱- فرضیات:
۶	۶-۱- اهداف و کاربرد تحقیق:
۶	۷-۱- روش تحقیق:
فصل دوم: ادبیات تحقیق	
۹	۱-۲- دیالکتیک؛
۹	۱-۱-۲- ارتباط دیالوگ، لوگوس و دیالکتیک:
۱۳	۲-۱-۲- دیالکتیک در نزد پیش سقراطیان:
۱۳	۳-۱-۲- دیالکتیک در نزد زنون، سوفسطاییان و سقراط:
۱۳	۱-۳-۱-۲- زنون و سوفسطاییان:
۱۴	۲-۳-۱-۲- سقراط
۱۵	۴-۱-۲- دیالکتیک در نزد افلاطون و ارسطو:
۱۵	۱-۴-۱-۲- افلاطون:
۱۵	۲-۴-۱-۲- ارسطو
۱۶	۵-۱-۲- دیالکتیک در نزد رواقیان و فلاسفه قرون وسطی:
۱۶	۱-۵-۱-۲- رواقیان:
۱۷	۲-۵-۱-۲- قرون وسطی:
۱۷	۶-۱-۲- دیالکتیک در نزد دکارت و پیروانش:
۱۹	۷-۱-۲- دیالکتیک در نزد کانت و پیروانش:
۲۳	۸-۱-۲- دیالکتیک در نزد هگل و پیروانش:
۲۳	۲-۲- عقل در فلسفه افلاطون:
۲۴	۳-۲- ایمان در فلسفه کی یرکگارد:
۲۵	۴-۲- افلاطون
۲۵	۱-۴-۲- تولد و نسب خانوادگی:
۲۵	۲-۴-۲- آشنایی با سقراط:

۲۶ سفر: مهاجرت و سفر: ۲-۴-۲
۲۷ بازگشت به آتن و تأسیس آکادمی: ۴-۴-۲
۲۷ ناکامی در تربیت حاکم حکیم: ۵-۴-۲
۲۷ آثار: ۶-۴-۲
۲۸ معیارهای تعیین ترتیب تاریخی آثار: ۱-۶-۴-۲
۲۸ مقام سقراط در آثار افلاطون: ۲-۶-۴-۲
۳۰ کی یرکگارد: ۵-۲
۳۰ زندگی و سوانح احوال: ۱-۵-۲
۳۲ آثار مهم و اصلی: ۲-۵-۲

فصل سوم: سیر دیالکتیک عقل در فلسفه افلاطون

۳۶ زمینه های تفکر افلاطون: ۱-۳
۳۷ دیالکتیک در محاورات اولیه: ۲-۳
۳۸ ماهیت روش سقراط: ۱-۲-۳
۴۰ موضوع محاورات اولیه: ۲-۲-۳
۴۱ روش مامایی سقراط در گفتگو: ۳-۲-۳
۴۲ دیالوگ و رهایی از پندار: ۴-۲-۳
۴۴ گفتگو و ظهور قواعد و معیارهای اخلاقی: ۵-۲-۳
۴۴ نسبت معیارهای عقلی- اخلاقی و فرمان خداوند در گفتگوهای سقراطی: ۱-۵-۲-۳
۴۵ ظهور حقیقت در کشاکش گفتگو: ۶-۲-۳
۴۶ نسبت آشکار شدن حقیقت با ظهور کمالات در طرفین گفتگو: ۱-۶-۲-۳
۴۷ معیار ظهور حقیقت در گفتگوهای سقراطی: ۱-۱-۶-۲-۳
۴۸ روش سقراط در محاوره منون: ۷-۲-۳
۴۹ امکان و نقص پیش شرط اصلی گفتگو: ۱-۷-۲-۳
۵۰ توسل سقراط به امور الهی و اسطوره های در میانه گفتگو: ۲-۷-۲-۳
۵۰ پاسخ سقراط و اشاره او به مواد ثلاث: ۳-۷-۲-۳
۵۱ آموختن و ارتباط آن با یادآوری: ۴-۷-۲-۳
۵۲ وظایف طرفین گفتگو برای قرب به حقیقت: ۵-۷-۲-۳
۵۳ سخن پایانی: ۸-۲-۳
۵۴ دیالکتیک در محاورات میانی: ۳-۳
۵۴ زبان ناگفتنی افلاطون: ۱-۳-۳
۵۸ تغییر روش در محاورات میانی: ۲-۳-۳
۵۹ موضوع محاورات میانی: ۳-۳-۳
۶۰ نسبت دانش راستین با دیالکتیک: ۴-۳-۳
۶۰ دانش متعارف: ۱-۴-۳-۳

- ۶۱-۳-۴-۲- نسبت دانش راستین و خویشتن‌داری:.....
- ۶۲-۳-۳-۵- سیر دیالکتیکی در رساله فایدون:.....
- ۶۴-۳-۵-۱- ظهور گوشه‌هایی از دانش راستین سقراط به نحو عینی:.....
- ۶۵-۳-۵-۱- موضوع فیلسوف در برابر مرگ و زندگی:.....
- ۶۶-۳-۵-۱-۲- نقدی بر سقراط در باب دخالت دادن عقیده در امور عقلی:.....
- ۶۷-۳-۵-۱-۳- شناخت باطنی سقراط از فیلسوف بیگانه:.....
- ۶۸-۳-۵-۱-۴- مرگی نامتعارف برای انسانی نامتعارف:.....
- ۷۰-۳-۵-۱-۵- درس عملی سقراط در حین گفتگو درباره عروج روح:.....
- ۷۰-۳-۳-۶- انتقاد بر افلاطون در باب علم راستین و الزامات آن و پاسخ احتمالی وی:.....
- ۷۲-۳-۳-۷- مبنای انتخاب روش افلاطون در محاورات میانی:.....
- ۷۲-۳-۷-۱- دلیل انتخاب عناصر «عشق و زیبایی» در سیر دیالکتیکی:.....
- ۷۴-۳-۳-۸- سیر دیالکتیکی در محاوره مهمانی:.....
- ۷۴-۳-۳-۱- تواضع عقل در برابر مقام عشق:.....
- ۷۵-۳-۳-۲- نسبت امکان با عشق:.....
- ۷۶-۳-۳-۳- عشق مظهر زاینده‌گی و جاودانگی:.....
- ۷۷-۳-۳-۴- مراحل عاشق شدن:.....
- ۷۷-۳-۳-۱-۴-۸- مرحله اول:.....
- ۷۸-۳-۳-۴-۲- مرحله دوم:.....
- ۷۹-۳-۳-۴-۳- مرحله سوم:.....
- ۸۰-۳-۳-۴-۴- مرحله چهارم و پایانی:.....
- ۸۲-۳-۴-۳- دیالکتیک در محاورات پایانی:.....
- ۸۲-۳-۴-۱- امکان مبنای فلسفه افلاطون:.....
- ۸۳-۳-۴-۱- سیر هستی‌وار تفکر افلاطون:.....
- ۸۳-۳-۴-۲- نقش حدود ماهوی در سیر صعودی دیالکتیکی:.....
- ۸۴-۳-۴-۲- سیر نزولی دیالکتیک و بازگشت دوباره به عالم کثرت:.....
- ۸۵-۳-۴-۱- تقسیم و جمع (با هم نگری) ویژگی اساسی سیر نزولی دیالکتیک:.....
- ۸۵-۳-۴-۲- نظر محققان در خصوص سیر نزولی دیالکتیک:.....
- ۸۷-۳-۴-۳- روش دیالکتیکی سقراط در فایدروس:.....
- ۹۰-۳-۴-۱- مراحل بکارگیری اصول سیر نزولی دیالکتیک:.....
- ۹۲-۳-۴-۴- گستره فهم در تفکر افلاطونی:.....
- ۹۲-۳-۴-۱- مرتبه اول؛ فهم آفاقی حاصل از تفکر مفهومی و نظری:.....
- ۹۳-۳-۴-۲- مرحله دوم؛ فهم انفسی طالب معرفت از خود و جهان هستی:.....
- ۹۳-۳-۴-۳- مرحله سوم؛ فهم حاصل از تجربه وجودی در میان کثرات:.....
- ۹۴-۳-۴-۱- تبیین تجربه وجودی افلاطونی در میان کثرات با نظر به هرمنوتیک گادامر:.....

۹۷	۳-۳-۵- نتیجه گیری:.....
	فصل چهارم: دیالکتیک ایمان در فلسفه کی‌یرکگارد و بررسی و مقایسه آن با دیالکتیک عقل در افلاطون
۱۰۰	۴-۱-۱- زمینه های ظهور مکتب اگزیستانسیالیسم در اروپا:.....
۱۰۰	۴-۱-۱-۱- تفوق اراده بر عقل در مسیحیت:.....
۱۰۱	۴-۱-۲- رابطه ضعف فلسفه و عرفان مسیحی و ظهور رنسانس:.....
۱۰۱	۴-۱-۳- هبوط انسان به دنیا در دوره رنسانس:.....
۱۰۱	۴-۱-۴- سیطره جنبه بشری عقل (<i>Ratio</i>) بر جنبه های الهی آن:.....
۱۰۲	۴-۱-۵- محدود شدن عقل بشری و طغیان بعد الهی او:.....
۱۰۲	۴-۱-۶- عکس العمل های مختلف در برابر راسیونالیسم:.....
۱۰۳	۴-۱-۷- عکس العمل کی یرکگارد، نیچه و داستایفسکی در برابر راسیونالیسم:.....
۱۰۴	۴-۱-۸- بن بست نظریه "ترقی" و پیشرفت در تمدن اروپایی:.....
۱۰۴	۴-۱-۹- ظهور جنبه های عامیانه اگزیستانسیالیسم بعد از جنگ دوم جهانی:.....
۱۰۴	۴-۱-۱۰- اگزیستانسیالیسم فلسفی و انواع آن:.....
۱۰۵	۴-۲- مبانی ایمان در اندیشه کی یرکگارد:.....
۱۰۶	۴-۲-۱- مسیحیت و نسبت های فرد با آن:.....
۱۰۶	۴-۲-۱-۱- طریق آفاقی:.....
۱۰۷	۴-۲-۱-۱-۱- تخمینی و غیر یقینی بودن تحقیق تاریخی در نگرش آفاقی:.....
۱۰۸	۴-۲-۱-۲- مبانی نقد کی یرکگارد بر هگل:.....
۱۱۱	۴-۲-۱-۳- نسبت آفاقی گری و جدائی سوژه و ابژه:.....
۱۱۳	۴-۲-۱-۴- طریق انفسی:.....
۱۱۵	۴-۲-۱-۱- نقش شورمندی در سیر انفسی ایمان:.....
۱۱۶	۴-۲-۲- حرکت دوگانه ایمان در سیر انفسی:.....
۱۱۸	۴-۲-۳- مقولات دینی در سیر انفسی:.....
۱۱۹	۴-۲-۴- دیگر مقولات انفسی:.....
۱۲۰	۴-۳- نقد و بررسی:.....
۱۲۳	۴-۴- فلسفه افلاطون جامع طریق آفاقی و انفسی:.....
۱۲۳	۴-۴-۱- وجوه دینی و اشراقی تفکر افلاطون:.....
۱۲۵	۴-۴-۲- مسئله تربیت:.....
۱۲۶	۴-۴-۳- اتحاد امر کلی و عقلانی با امر انفسی در حین گفتگو:.....
۱۲۷	۴-۴-۴- حقیقت و نسبت آن با آفاق و انفس:.....
۱۲۸	۴-۴-۵- جنبه های اجتماعی تفکر افلاطون:.....
۱۲۸	۴-۵- منازل وجودی در تفکر کی یرکگارد و مراتب معرفتی در تفکر افلاطون:.....
۱۳۰	۴-۵-۱- منزل استحسان و مرتبه شناخت گمانی (حسی):.....
۱۳۰	۴-۵-۱-۱- منزل استحسان در نزد کییرکگارد:.....

- ۱۳۰ مرتبه شناخت گمان (حس) در نزد افلاطون: ۲-۱-۵-۴
- ۱۳۱ منزل اخلاق و معرفت اخلاقی: ۲-۵-۴
- ۱۳۱ منزل اخلاق در نزد کی یرکگارد: ۱-۲-۵-۴
- ۱۳۲ معرفت اخلاقی در نزد افلاطون: ۲-۲-۵-۴
- ۱۳۳ منزل ایمان و مرتبه شهود: ۳-۵-۴
- ۱۳۳ منزل ایمان در نزد کی یرکگارد: ۱-۳-۵-۴
- ۱۳۳ مرتبه شهود در نزد افلاطون: ۲-۳-۵-۴
- ۱۳۵ وجوه فراعقلی و شعری تفکر کی یرکگارد و افلاطون: ۶-۴
- ۱۳۶ وجوه استعاری و طنز: ۱-۶-۴
- ۱۳۹ توجه به زندگی انسان و نسبت او با دیگری: ۲-۶-۴

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

- ۱۴۲ نتیجه گیری: ۵-۴
- ۱۴۲ انطباق عقل و ایمان بر امر مطلق و قدسی: ۱-۵-۴
- ۱۴۲ حرکت وحدانی نفس به سوی امر مطلق و قدسی: ۲-۵-۴
- ۱۴۳ توجه به اختلافات و میزان استعداد افراد در تربیت عقلی و ایمانی: ۳-۵-۴
- ۱۴۳ تفسیر یکسویه افلاطون از عشق و پیامدهای آن: ۱-۳-۵-۴
- ۱۴۴ سیاست و علم در نظام فکری افلاطون: ۲-۳-۵-۴
- ۱۴۵ تفسیر یکسویه کی یرکگارد از ایمان: ۲-۳-۵-۴
- ۱۴۵ لزوم اتخاذ دینداری و تفکری تفسیری و هرمنوتیکی در دنیای معاصر: ۳-۵-۴

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه:

در تفکر دینی و حکمی، خداوند تمامی وجود آدمی را مورد خطاب قرار می‌دهد، از این رو تمامی ابعاد و مراتب نفس او در معارف دینی مورد توجه است. این توجه ریشه در "حضور" یکپارچه بنده‌ای دارد که خداوند خواهان آن است، به عبارت رساتر در تفکر دینی و حکمی شرط رشد آدمی فعلیت ابعاد مختلف وجود اوست. و این امر میسر نخواهد شد مگر اینکه تمام واقعیت و موجودیت او در پیشگاه خداوند حاضر شده و از این طریق به فعلیت حقیقی خویش نائل شود. خود این حضور نیز مستلزم آن است که وجود آدمی شأنی علمی پیدا کند. به تعبیر حکمت اسلامی، «حضور» خبر از عدم غیاب و نشان از حاضر بودن امری مجرد در نزد مجرد دارد. و اگر کشش ایمانی و میل شوقی نسبت به مبده، "حضور" مؤمن را در محضر خداوند میسر نماید، به گونه‌ای او را مجرد کرده و وجود او را فعلیت بخشیده است. در این صورت غایت شوق ایمانی با تلاش عقلی یکی شده و تقابلی میان آن دو وجود نداشته، بلکه نشان از این امر دارد که هر دوی آنها، مراتبی از مراتب نفسی واحدند که در نهایت سیر خود، در واقعیت آن نفس واحد مندرک می‌شوند. به بیانی دیگر وحدت نفس در صورتی متحقق می‌شود، که قوا و مراتب آن خبر از امری واحد دهند، یعنی اگر حس، خیال، عقل و شهود نتوانند به امری واحد اشاره کرده، در واقع و بر اساس تعالیم دینی بر صاحب چنین نفسی وحدت و حضور حاکم نیست، بلکه بر آن تكثر حکم می‌راند. حکما و عرفا امکان وقوع چنین حال یگانه‌ای را با تعالیمی چون "النفس فی وحدتها کل القوا" تبیین کرده‌اند. ما در تفکر افلاطونی با چنین نفسی مواجه‌ایم که با تمام قوا در محضر مثال‌خیر حاضر است و از این باب است که متفکران دینی همواره برای تبیین ایمان دینی و نسبت آن با عقل به نظام فلسفی او نظر داشته‌اند. اما با ظهور فلسفه جدید و با جدایی مرتبه بدن از نفس، قوای نفسانی آدمی هر یک به سمتی رفته و این هماهنگی نفسانی و به تبع آن، آن حضور ایمانی در محضر وجود که دین خواستار آن است، خدشه‌دار گردید. تفکر کی‌یرگارد به عنوان پدر اگزیستانسیالیست واکنشی بود به این پراکندگی نفسانی و انتقاد بر حرکت و سیر مراتب و قوایی از نفس که به

سوی بخش پدیداری و آفاقی عالم در سیر بوده و نیز تلاشی در جهت احیاء این حضور ایمانی با توجه به امکانات نفس آدمی. اما تفکر او نیز از پراکندگی دنیای متجدد مصون نمانده و وی نیز راه افراط در پیش گرفته و تفکری یک‌سویه و درون‌گرایانه ارائه داد. تفکری که با بسیاری از عرصه‌های بیرونی عالم از جمله با عقل و محصولات آن در تقابل است.

در تحقیق حاضر در فصل اول به بیان مسئله و مابقی الزامات تحقیق پرداخته و در فصل دوم به ترتیب به توضیح مختصری درباره سیر دیالکتیک در تاریخ فلسفه غرب تا هگل، دیالکتیک عقل و ایمان در نزد افلاطون و کی-یرکگارد و اجمالی درباره زندگی این دو فیلسوف پرداخته شده است.

در فصل سوم به زمینه فکری و سیر دیالکتیک عقل در فلسفه افلاطون در سه قسمت پرداخته شده است. در قسمت اول به سیر دیالکتیک در محاورت اولیه اشاره شده که در آن افلاطون از طریق گفتگوهای سقراطی در صدد بررسی امکان کسب معرفت از طریق دیالوگ و بحث اخلاقی و تربیتی است. او امکان کسب معرفت را به روش سلبی و تواضعی انجام می‌دهد، یعنی از یک سو به ناتوانی خود در رسیدن به نتایج نظری گفتگو اعتراف کرده و از دیگر سو با این اعتراف، محیط درونی و نفسانی خود و طرف گفتگو را متواضعانه در معرض کسب معرفت درست قرار می‌دهد و در این نیت است تا به نزدیک‌کردن و اتحاد عمل اخلاقی با کنکاش عقلی نائل آید. در قسمت بعدی به سیر دیالکتیک در محاورات میانی پرداخته شده، که در آن فیلسوف با سیر در عالم مثال، حقیقت تعاریف کلی و صفات اخلاقی مرحله اول را مشاهده می‌کند، این سیر در درون نفس فیلسوف و باطن عالم به واسطه نیروی عشق و عقل انجام می‌پذیرد. در بخش سوم به سیر نزولی فیلسوف پس از صعود نفسانی‌اش به عالم مثل و شهود مثال خیر پرداخته می‌شود.

در فصل چهارم ابتدا به زمینه‌های ظهور تفکر اگزیستانسیالیسم و سپس به مبانی ایمان در نظر کی‌یرکگارد و از این طریق به نقدهای وی بر تفکر انتزاعی فلسفه دوران مدرن، و بعد از آن به تفکر انفسی وی و نقد آن پرداخته می‌شود. در مرحله بعد به ترتیب به مطالب زیر جهت مقایسه و بررسی تفکر این دو متفکر پرداخته شده است: ابتدا جمع طریق آفاقی و انفسی در تفکر افلاطون و شواهدی بر آن، سپس به مقایسه مراتب شناخت افلاطونی و منازل وجودی کی‌یرکگارد با یکدیگر و در پایان به وجوه غیر فلسفی این دو تفکر اشاره‌ای شده است.

در فصل پنجم تحقیق در ذیل عنوانی چون: لزوم انطباق عقل و ایمان بر امر مطلق و قدسی، لزوم توجه به اختلافات و استعدادهای متخالف انسان‌ها در امر تربیت دینی و اخلاقی و پرهیز از یکسویه نگری و لزوم اتخاذ دینداری و تفکری تفسیری و هرمنوتیکی، به عنوان نتیجه‌گیری و پیشنهاد به پایان خود می‌رسد.

۱-۲- تعریف مسأله و بیان سوالات تحقیق:

تطبیق عقل و ایمان همواره از دغدغه‌های فلاسفه و متفکران دینی در طول تاریخ بشر بوده است. در تفکر دینی-فلسفی عالم، چه در جهان اسلام و چه در جهان مسیحی-یهودی، متفکران عقل‌گرا همواره برای تطبیق ایمان دینی خویش با عقل، به تفکر افلاطون نظر داشته‌اند. به طور کلی می‌توان گفت که تفکر این اندیشمندان بزرگ استعداد را داشته که همواره از سوی تمامی فلاسفه در هر دوره‌ای مورد بازبینی قرار گیرد. زیرا در تفکری وی،

تمام مراتب معرفتی اعم از حسی، خیالی، ریاضی، منطقی، اخلاقی، عقلی و شهودی وجود داشته و هر یک در رتبه خویش دارای اعتبار می‌باشند. اگر تمامی فلاسفه را با تأملی اجمالی مورد بازبینی قرار دهیم، ایشان را از این چند مرتبه معرفتی خارج نمی‌بینیم. به عبارت دیگر، تمام مکاتب فلسفی را می‌توان تذکری دوباره به تفکر افلاطون دانست، با این تفاوت که "وجود" در هر دوره‌ای از دوران‌های تاریخی، به نحو متمایزی اما در چهارچوب همان مراتب افلاطونی، بر ایشان تجلی نموده است.

در مراتب شناخت افلاطونی، در مرحله حس، هیچ معرفت ثابتی وجود ندارد، بنابراین انسان در این مرحله همواره دچار گمان (دکسا) و تردید بسر می‌برد. در مرحله ریاضی و عقلی، عقل با گذر دیالکتیکی خویش به معرفتی ثابت و پایدار می‌رسد و متصف به صفات قانون، عقلانیت و اخلاق شده و از ناپایداری وجودی و شناختی گذر می‌کند. در مرحله‌ای که بالاتر از عقل است، فیلسوف به مرحله شهود ایده خیر نائل می‌شود، مرحله‌ای که تبیین آن دیگر از عهده پدیدارهای حسی و مفاهیم عقلی ساخته نیست و به همین دلیل است که افلاطون به اسطوره متوسل می‌شود. در این مرحله، دیگر دیالوگی به مانند مراحل قبلی وجود ندارد؛ بلکه در اینجا "مونولوگی" است از سوی وجود مطلق بر حکیمی که با گذر از مرحله عقلی-اخلاقی به خیر مطلق واصل گردیده است.

در اندیشه‌ای که کی‌یرکگارد ترسیم می‌کند، هر چند که از موضع ضد عقلانی وارد می‌شود، اما می‌توان با دقت به این مطلب پی‌برد که هر مرتبه‌ای از مراتب شناخت افلاطونی وجه مشابهتی با حالات اگزستانسیالی دارد که کی‌یرکگارد برای انسان توصیف می‌کند، وجود دارد. بدین صورت که در مرحله استحسانی آدمی بر جای محکمی قرار ندارد و دارای وجودی متزلزل و مشوش است و یا به تعبیر افلاطون، ذهن او با پدیدارهای حسی به جهان پیرامون می‌نگرد و به همین دلیل همواره دچار گمان (دکسا) است. در مرحله دوم که مرحله اخلاق است، انسان به معیارهای اخلاقی گردن نهاده و ندای "عقل کل" را در زندگی خویش اجرا می‌کند و این مقصود مشابهت دارد با تلاشهای سقراط در تیل افراد به حیات عقلانی-اخلاقی‌شان. اما به نظر کی‌یرکگارد فرد باز احساس خلاء کرده و کشش عمیق او به مطلق، یا به تعبیر افلاطونی عشق او به "حقیقت" و "خیر مطلق"، او را از مرحله اخلاقی-عقلی به مرحله دینی وارد می‌سازد. در اینجا است که فرد نظاره‌گر ابدیت و جاودانگی است و شناخت او از خداوند دیگر به طریق متعارف نمی‌باشد، بلکه در اینجا آنچه حکمرانی می‌کند، حکم امر مطلق است.

اما وجه اختلاف این دو سیر در این است که دغدغه کی‌یرکگارد دغدغه‌ای است فردی، یعنی نجات فرد از دستگاه یکپارچه هگلی که فردانیت، احساسات و گرایش‌های ایمانی و وجودی افراد را نادیده می‌گیرد. او دغدغه بازگشت به اجتماع و آموزش و یا تحقق یافته‌های خویش را در آن ندارد. در حالیکه هدف افلاطون از این سیر اولاً؛ نجات خود حکیم از توهمات و حجابهای دنیای محسوس و متخلق شدن به صفات عقلانی-اخلاقی و در نهایت شهود ایده خیر و در ثانی بازگشت به اجتماع برای دستگیری از افراد مستعد این سیر و نیز تحقق خیر در کل بدنه شهر و اجتماع همانند تحقق آن در شخصیت حکیم.

سوالات:

۱. چگونگی سیر دیالکتیک افلاطونی و مراحل آن؟
۲. ماهیت سیر دیالکتیک ایمان در کی‌یرکگارد چیست؟
۳. سیر دیالکتیکی عقل و ایمان در مواردی اشتراک و اختلاف دارند؟

۱-۳- پیشینه تحقیق:

در این زمینه و نزدیک به این تحقیق پایان نامه‌های و رساله‌هایی به شرح ذیل انجام گرفته است:

۱. ایده خیر در فلسفه افلاطون، پویا صادق، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
۲. انفسی بودن در تفکر کی‌یرکگارد، سایه میثمی، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر محمود خاتمی.
۳. تجدید تصوف در تفکر کی‌یرکگارد، مهتاب مستعان، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر سید احمد فردید.
۴. تلازم نظر و عمل در فعل اخلاقی از دیدگاه سقراط و افلاطون، حسین فرخنده، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر سید محمدرضا بهشتی.
۵. خدا در فلسفه‌های اگزیستانس: سورن کی‌یرکگارد، کارل یاسپرس و گابریل مارسِل، داود سیروس، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
۶. دیالکتیک، موسی دیباج، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
۷. سفر نفس و سیر نزولی و صعودی آن در فلسفه افلاطون و مقایسه آن با عرفان احمد غزالی، نصر الله پورجوادی، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
۸. کی‌یرکگارد و وظیفه انسان، علی اصغری، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر محمود خاتمی.

۱-۴- ضرورت تحقیق:

۱. توجه و تذکر به این نکته که سیر دیالکتیک افلاطون برخلاف تفکر دوره متجدد در نهایت به وادی ایمان دینی و شهود عرفانی منجر می‌شود.
۲. تذکر به این مسئله که در مبحث شناخت عقلانی و تقرب وجودی و ایمانی به امر مطلق، بایستی تمام ابعاد نفس آدمی اعم از حسی، عقلانی و ایمانی با حفظ مراتبشان مورد توجه قرار گیرند.
۳. تذکر و توجه به این مطلب که تنها دستگاه دینی، عرفانی و حکمی است که برای تمام ابعاد وجودی و نفسانی انسان در مسیر شناخت امر مطلق و قدسی که شناخت حقیقی و یقینی محسوب می‌شود، ارزش قائل است.

فصل دوم

ادبیات تحقیق

۲-۱- دیاالکتیک؛

واژه دیاالکتیک (*Dialektike*) در زبان یونانی از فعل *Dialegesthai* (*διαλεγεσθαι*) منشعب شده است. کلمه اخیر به معنی «بحث کردن، به نوبت صحبت کردن و با یکدیگر گفتگو کردن» است. خود این کلمه مرکب از پیشوند *Dia* و فعل *Legin* می‌باشد. پیشوند *Dia* معانی گوناگونی از قبیل «باهم، سراسر، از راه و به سبب» دارد. فعل *Legin* به معنایی از قبیل «صحبت کردن، سخن گفتن، گردآوردن، برگزیدن و دسته‌بندی کردن» می‌باشد. از طرفی فعل *Legin* ریشه کلمه *Logos* (*λογος*) است و خود *Logos* به معنای «کلمه، سخن، بیان، عقل و ...» می‌باشد.^۱ از طرف دیگر فعل *Dialegesthai* ریشه دیاالوگ (*Dialogue*) (*διαλογος*) است (ترابی، ۱۳۸۴: ۳). از این رو دیاالوگ، لوگوس و دیاالکتیک ارتباط وثیقی با هم دارند

۲-۱-۱- ارتباط دیاالوگ، لوگوس و دیاالکتیک:

می‌توان از سخن یاسپرس درباره ارتباط موضوع با افراد و حالاتشان و دیگر عناصر موجود در عرصه گفتگوهای سقراطی در تبیین این ارتباط سه‌گانه استفاده کرد، او در این باره می‌گوید: «شکل دیاالوگ‌های سقراطی در محاورات افلاطونی به سبب ارتباط موضوع با اشخاص و حالات آنها اجازه می‌دهد که معنی منطقی و معنی وجودی یک اندیشه در یک زمان نمایان گردد» (یاسپرس، ۱۳۵۷: ۷۹). به عبارت دیگر دیاالوگ و گفتگو متناسب با نوع موضوع و نسبتی که طرفین گفتگو با موضوع دارند و حال و هوایی که در آن زمانه خاص بر محیط گفتگو

۱. مارتین هایدگر در کتاب *Early Greek Thinking* به بررسی معانی واژه‌های *Logos* و *Legin* پرداخته و تفسیرهایی خود را از آنها ارائه کرده است. آقای سید مجید کمالی در پایان نامه خود تحت عنوان «تفسیر هایدگر از لوگوس و حقیقت زبان» به بررسی این موضوع پرداخته است. ضمناً برای بررسی واژه لوگوس می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد:

الف) زبان‌شناسی و ادبیات و تاریخچه چند اصطلاح، ترجمه کورش صفوی، انتشارات هرمس، ۱۳۷۷.
ب) درآمدی به فلسفه افلاطون: شناخت موانع انس با افلاطون، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سهراب گنجی مراد، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، ۱۳۸۳.